

Presenting a Model for Intelligent Action in Confronting Questions and Doubts

Muhammad Pour Norouz^{*} / Ruhollah Jalali Asl^{}**

Seyyed Hassan Hashemi Jazi^{*}**

Recived Date: 2025/07/26

Accepted Date: 2026/01/10

Abstract

Throughout history, ill-wishers and adversaries have exploited the tool of casting doubts to lead beliefs astray. The way to counter this tactic is to promote a culture of inquiry and the ability to respond to doubts using both offensive and defensive approaches—a matter the Quran has also emphasized. In the conduct of the Infallible Imams (AS), their children, and companions, the culture of questioning and answering was abundantly present, and many hadiths have been transmitted in the form of questions posed by the companions of the Infallibles (AS). The Infallibles (AS) themselves fought against these doubt-mongers either directly or through the training of their students. This research aims to teach those interested in this field—particularly in the context of the “Jihad of Clarification”—how to act intelligently when faced with questions and doubts (research objective). The research content was compiled through documentary study, experiential writing, and thematic analysis, and finally a model was presented using the evolutionary research method (research method). Presenting the research results in a model-centric manner maximizes the benefit for the audience. Therefore, a model comprising three principles and components—essential, contextual and consequential—has been offered, enabling the reader to personalize and generalize these principles to subsidiary cases, and by mastering them, enhance their skills in both written and oral response (research findings).

Keywords: *Question, Doubt, Answer, Components of Answering, Model.*

DOI: 10.22034/ssr.2026.536967.1070

^{*} PhD student in Cultural Strategic Management at the National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author) (Pournorouz@chmail.ir).

^{**} PhD student in Islamic Revolution at the University of Tehran, Tehran, Iran (Rjalali57@gmail.com).

^{***} PhD in Shi'a Studies at the University of Religions and Denominations, Qom, Iran (h.hashemi.jazi49@gmail.com).

التصرف الذكي في مواجهة السؤال والشبهة من خلال تقديم نموذج

محمد بورنوروز / روح الله جلالی اصل**

السيد حسن هاشمی جزی***

القبول: ١٤٤٧/٠٧/٢٠

الإستلام: ١٤٤٧/٠٢/٠١

الملخص

على مرّ التاريخ، استغلّ الأعداء والمخالفون أسلوب إثارة الشبهات كوسيلة لإضلال العقائد وانحرافها. والطريقة المثلى لمواجهة هذه الحيلة تكمن في نشر ثقافة الحوار والسؤال، والتمكّن من الرد على الشبهات من خلال منهجين: هجومي ودفاعي، وقد أكد القرآن الكريم على هذه المسألة أيضًا. كما نلاحظ في سيرة الأئمة الأطهار (عليهم السلام) وأبنائهم وأصحابهم، حضورًا قويًا لثقافة السؤال والجواب، حيث نُقلت الكثير من المصادر الحديثية من خلال أسئلة أصحاب المعصومين (عليهم السلام). وكان المعصومون (عليهم السلام) يواجهون مثيры الشبهات بشكل مباشر أو عبر تربية تلامذتهم.

تهدف هذه الدراسة إلى تعليم الراغبين في هذا المجال، ولا سيما في ميدان جهاد التبيين، كيفية التصرف الذكي في مواجهة الأسئلة والشبهات (إشكالية البحث). وقد تم إعداد محتوى البحث من خلال الدراسة الوثائقية، وتدوين الخبرات، وتحليل المضمون، وفي النهاية تم تقديم نموذج باستخدام منهج البحث التطوري (منهج البحث). إن تقديم نتائج البحث بصيغة نموذجية يعزز من فاعلية الاستفادة منها لدى القارئ.

لذلك، تم تقديم نموذج الذي يتكون من ثلاثة أركان: الركن الجوهرى، والركن الظرفى (البيئى)، والنتائج. ويمكن للقارئ من خلال تخصيص هذه الأركان وتعميمها على الفروع، أن يطور من مهاراته في الردود الكتابية والشفوية (نتائج البحث).

الكلمات المفتاحية: السؤال، الشبهة، الجواب، مكونات المسائل، نموذج.

DOI: 10.22034/ssr.2026.536967.1070

* طالب دكتوراه فى الإدارة الاستراتيجية الثقافية بجامعة الدفاع الوطنى العليا، طهران، إيران (المؤلف المسؤول)
(Pournorouz@chmail.ir).

** طالب دكتوراه فى الثورة الإسلامية بجامعة طهران، طهران، إيران (Rjalali57@gmail.com).

*** دكتوراه فى الدراسات الشيعية بجامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران (h.hashemi.jazi49@gmail.com).

ارائه الگویی برای کنش هوشمندان در مواجهه با پرسش و شبهه

محمد پورنوروز^{*} / روح‌الله جلالی اصل^{**}

سیدحسن هاشمی جزی^{***}

تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴

چکیده

در طول تاریخ بدخواهان و معاندان از قالب شبهه‌افکنی برای به انحراف کشاندن اعتقادات بهره برده‌اند. راه مقابله با این حيله، گسترش فرهنگ پرسمان و توانمندی در پاسخ به شبهات با دو رویکرد آفندی و پدافندی است و قرآن هم به این مهم تأکید کرده است. در سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و فرزندان و یاران‌شان نیز فرهنگ پرسش و پاسخ به وفور دیده می‌شد و بسیاری از احادیث در قالب پرسش اصحاب معصومان (علیهم‌السلام) منتقل شده است و حضرات معصومین (علیهم‌السلام) به‌طور مستقیم یا از طریق تربیت شاگردان با این شبهه‌افکنان مبارزه می‌کردند. این پژوهش بناست نحوه کنش هوشمندانه در مواجهه با سؤال و شبهه را به علاقه‌مندان به این عرصه به‌خصوص جهاد تبیین بیاموزد (هدف تحقیق). محتوای پژوهش با مطالعه اسنادی، تجربه‌نگاری و تحلیل مضمون تدوین شد و در نهایت با استفاده از روش تحقیق تکاملی الگویی ارائه شد (روش تحقیق). بیان الگو محور نتایج پژوهش، بهره‌برداری برای مخاطبان را به حداکثر می‌رساند؛ لذا الگویی که دارای سه اصل و مؤلفه جوهری، زمینه‌ای و نتایج است ارائه شد و خواننده می‌تواند با شخصی‌سازی، این اصول را بر فروع تعمیم دهد و با تسلط بر آن، بر مهارت خود در پاسخ‌گویی نوشتاری و گفتاری بیفزاید (یافته‌های تحقیق).

واژگان کلیدی: پرسش، شبهه، پاسخ، مؤلفه‌های پاسخ‌گویی، الگو.

DOI: 10.22034/ssr.2026.536967.1070

* دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
(Pournorouz@chmail.ir).

** دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران (Rjalali57@gmail.com).

*** دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (h.hashemi.jazi49@gmail.com).

مقدمه

تعریف مسئله

پرسش و پاسخ ارزشمندترین هدیه‌ای است که عقل به انسان ارزانی داشته است. در اسلام نیز پرسش‌گری دارای جایگاه ویژه‌ای است به طوری که برخی از آیات قرآن با کلمه «یَسْئَلُونَكَ» شروع می‌شود. همچنین بسیاری از منابع معرفتی که در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و علمای اسلام به دست ما رسیده از طریق پرسش اصحاب حضرات معصومین (علیهم‌السلام) با عناوینی مانند «سَأَلْتُ عَنْهُ»، «سُئِلَ عَنْهُ» بوده است. در این بین عده‌ای با نیت شیطانی و برای ضربه زدن به اعتقادات مردم، شبهات خود را در قالب پرسش مطرح می‌کردند تا از این طریق به اهداف خود برسند. ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به طور مستقیم یا از طریق تربیت شاگردان با این شبهه افکنان مبارزه می‌کردند. امروزه با توجه به این که در ایران، نظامی دینی با اهداف جهانی ایجاد شده، بدخواهان نیز، از حيله شبهه پراکنی در سطحی بسیار گسترده بهره می‌برند؛ بنابراین برای مقابله با شبهه افکنان و پاسخ‌گویی به سؤالات دینی مراکزی تأسیس شده است، اما این مراکز پاسخ‌گوی حجم عظیم شبهات، چه در داخل و چه در خارج از کشور، نمی‌باشد؛ بنابراین باید تدبیری اندیشه شود که هر یک از طلاب علوم دینی و حتی فعالان عرصه فرهنگ، به کنشگری صحیح مواجهه با سؤالات و شبهات دست یابند.

۸۰

شبهات
پرسش و پاسخ

در این مقاله، با مطالعه کتابخانه‌ای و استخراج تجربه‌های فعالان عرصه پاسخ‌گویی، ویژگی‌های دانشی، بینشی و مهارتی کارشناس پاسخ‌گو ارائه گردید.

تجربه‌نگاری به معنای توصیف و تحلیل یک اقدام مؤثر فرهنگی، برای تکرار آن توسط دیگران، آنگاه مؤثر واقع می‌افتد که بیان تجربه با رویکرد الگومحور بیان شود. در این صورت، اثر تولیدی نه تنها خود به عنوان یک اقدام فرهنگی است، بلکه بالاتر به مثابه تولید دانش کار فرهنگی است که مورد انتظار امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) است؛^۱ بنابراین در این مقاله در انتها الگویی برای مواجهه هدفمند و اثربخش با سؤالات و شبهات ارائه شد.

این تلاش علمی اقدامی در جهت تحقق «نهضت پاسخ به سؤالات» مد نظر نائب‌المهدی (علیه‌السلام) شهید امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) است.

پیشینه پژوهش

کتاب‌هایی مانند مبانی و مهارت‌های پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات دینی نوشته مجید خاموشی و اصول و روش‌های پاسخ‌گویی به قلم مجید جواد فلاح و مقالات زیادی نیز به

۱. شهید امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)، (۱۳۹۷/۱۱/۷)، در دیدار با مسئولان دفتر تبلیغات برگرفته از سایت Khamenei.ir.

موضوع پاسخ به یک سؤال و شبهه یا بیان مهارت‌های پاسخ‌گویی پرداخته‌اند؛ لکن در تحقیق حاضر بناست الگویی به کنشگران این میدان عرضه شود.

اهمیت و ضرورت

پاسخ‌گویی دینی در دنیای امروز به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر شناخته می‌شود. با توجه به افزایش شبهات و سؤالات پیرامون اعتقادات اسلامی، لازم است که روحانیون و متفکران دینی به‌روز باشند و به نیازهای فکری جامعه، به‌ویژه جوانان، پاسخ دهند. رهبر شهید انقلاب تأکید داشتند که «باید به مسائل اعتقادی اسلام پرداخت و اعتقاد به اسلام را در ذهن‌ها و دل‌ها راسخ نمود» (امام خامنه‌ای رحمته‌الله، ۱۳۷۷). این نشان‌دهنده اهمیت پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات موجود است که نه تنها به تقویت ایمان دینی کمک می‌کند، بلکه به انسجام و وحدت جامعه مسلمان نیز می‌انجامد. در این راستا، شناخت نیازها و دغدغه‌های مخاطبان، به‌ویژه جوانان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا بتوان با ارائه پاسخ‌های مناسب و علمی، به رفع ابهامات و شبهات آنان کمک کرد.

از طرفی موج استبصار و نبود مُبَلَّغ به اندازه کافی، یکی از جدی‌ترین چالش‌هایی است که در صورت فراهم‌نشدن دسترسی آسان برای به پاسخ به سؤالات، زمینه جذب آن‌ها به عرفان‌ها و مکاتب منحرف را فراهم می‌کند که خود بحرانی جدی است. حجم بالای شبهه‌افکنی علیه انقلاب و تشیع نیز از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی، ضرورت ورود حداکثری کنشگران را در عرصه پاسخ‌گویی دوچندان می‌کند.

از سوی دیگر به منظور حداکثرسازی توانمندسازی طلاب و متفکران دینی برای امر پاسخ‌گویی دینی، داشتن الگو و چارچوبی مشخص برای پاسخ‌گویی ضروری است. این الگو باید شامل فرایندهایی باشد که به شناسایی و تحلیل شبهات، تدوین پاسخ‌های مستند و علمی و نیز ارزیابی اثربخشی این پاسخ‌ها بپردازد.

جنبه نوآوری

وجه تمایز و جنبه نوآوری مقاله حاضر، ارائه الگو است که به کنشگران، مسیر مواجهه صحیح و کارآمد با شبهات را می‌آموزد و راه گسترش توانمندی‌های دانشی و مهارتی را با توجه به توان کنشگر و جامعه مخاطبش به وضوح نشان می‌دهد. ارائه الگو می‌تواند پایه‌های علمی برای خلاقیت‌ها بنا کند.

سؤالات اصلی و فرعی

سؤال اصلی پژوهش این است که براساس تجربه‌های مدون در زمینه پاسخ‌گویی، نحوه مواجهه طلاب و کنشگران فرهنگی با سؤالات و شبهات چگونه باید باشد؟

این تحقیق دارای سؤالات فرعی زیر است:

۱. مؤلفه‌های جوهری در پاسخ‌گویی دینی چیست؟
۲. ویژگی‌های دانشی، بینشی و مهارتی کارشناس پاسخ‌گو چیست؟
۳. چه نتایجی از فرایند پاسخ‌گویی دینی مورد انتظار است؟
۴. چه الگویی می‌توان برای مواجهه با سؤالات و شبهات دینی ارائه کرد؟

روش تحقیق

مقاله حاضر در ابتدا با روش کتابخانه‌ای به مفاهیم مرتبط می‌پردازد. سپس از طریق مصاحبه با جمعی از کارشناسان پاسخ‌گو، داده‌ها جمع‌آوری شده است. در گام بعدی جهت تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، از روش تحلیل مضمون استفاده گردید. در انتها برای تولید الگو از «روش تحقیق تکاملی»^۱ استفاده شده است که سه بعد زمانی (گسترش موضوع)، بعد مکانی (ساختار) و بعد کارایی (آثار) را شامل می‌شود. توانمندی این روش در تولید الگو، امکان طبقه‌بندی قاعده‌مند و نگاه کلان به مسائل و ارائه راهبرد است.

۱. مفاهیم

در اینجا چارچوب مفهومی مرتبط با فرایند پاسخ‌گویی تعریف و تبیین می‌شود. از آنجا که در نهایت الگویی عملیاتی ارائه می‌گردد، به مفهوم الگو نیز اشاره می‌شود.

۱-۱. سؤال

سؤال و مسئله، مصدری است از ریشه «سأل» به معنای «الحاجة التي تحرص النفس عليها»

۱. روش تحقیق تکاملی منبعث از یک متفکر دغدغه‌مند علم دینی (علامه سیدمنیرالدین هاشمی الحسینی) است و با نگاه معرفت‌شناسانه دینی تدوین شده است که دارای ویژگی‌هایی مانند محوریت یافتن دین در طبقه‌بندی مسائل (در سطح اهداف، مبانی و متغیرها)، امکان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هماهنگ و استخراج راهبرد و شناخت مجاری تأثیرپذیر از دشمن (جلوگیری از تحریف و تأویل انحرافی از طریق علم سکولار) می‌باشد (پیروزمند، ۱۳۹۷، ص ۸۹-۸۵).

(راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۳۷) یعنی حاجت و نیازی که نفس آدمی بر آن حریص است.

التحقیق می‌نویسد: «اصل در این ماده طلب امری از کسی است و مطلوب می‌تواند خبر یا مال یا علم یا بخشش یا چیز دیگری باشد»^۱.

این ماده در قرآن هم بسیار تکرار شده است و با انشقاقاتی مانند «سألک، یسئلونک و سئل» آمده است و در روایات هم بسیار زیاد استفاده شده است.

۱-۲. استفهام

فهم به معنای «معرفت الشيء بالقلب» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۵۹) است و وقتی به باب استفعال می‌رود به معنای طلب فهم کردن از دیگری است که او را بفهماند (راغب، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۹۸).

در فرق بین سؤال و استفهام آمده است که «وَأَمَّا الْفَرْقُ الَّذِي تَوَجَّهَ صِيغَةُ الْفَرْقِ فَكَالْفَرْقِ بَيْنَ الْاِسْتِفْهَامِ وَالسَّؤَالِ وَذَلِكَ أَنَّ الْاِسْتِفْهَامَ لَا يَكُونُ إِلَّا لِمَا يَجْهَلُهُ الْمُسْتَفْهَمُ أَوْ يَشْكُ فِيهِ لِأَنَّ الْمُسْتَفْهَمَ طَالِبٌ لِأَنَّهُ يَفْهَمُ وَقَدْ يَجُوزُ أَنْ يُسْأَلَ فِيهِ السَّائِلُ عَمَّا يَعْلَمُ وَعَمَّا لَا يَعْلَمُ» (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۲۸).

استفهام ناشی از جهل مستقیم یا شک است، اما در سؤال، سؤال‌کننده می‌تواند از آنچه می‌داند یا نمی‌داند سؤال کند.

۱-۳. استفتاء

استفتاء از ریشه فتو، مصدر باب استفعال و به معنای درخواست فتوا است و در اصطلاح، عبارت است از آن که مقلد از مجتهدی که دارای منصب و شرایط افتاء است، درخواست بیان حکم شرعی در یکی از موضوعات فرعی عملی نماید؛ بنابراین با توجه به معنای اصطلاحی فتوی می‌توان گفت رابطه بین جواب و فتوی عموم و خصوص مطلق است. یعنی هر فتوی، جواب است؛ لکن هر جوابی فتوی نیست و می‌تواند در حوزه‌هایی غیر از احکام شرعی باشد.

۱-۴. جواب / پاسخ

جواب از ریشه جوب می‌باشد و به معنای قطع و پایان دادن به سخن و خواست گوینده است؛ خواه

۱. «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ طَلَبُ أَمْرٍ عَنْ شَخْصٍ، وَالْمَطْلُوبُ أَعْمٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ خَبْرًا أَوْ مَالًا أَوْ عِلْمًا أَوْ عَطَاءً أَوْ شَيْئًا آخَرَ» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۸).

به فعل باشد یا به قول (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۸۷) و پاسخ را از آن جهت جواب گویند که سخن پرسش‌گر با آن قطع و تمام می‌شود.

پاسخ از دو منظر قابل بررسی است: پاسخ و ارائه راه‌حل. پاسخ‌گو بهتر است به جای پاسخ راه‌حل ارائه دهد. این معنا به ریشه کلمه «جوب» نزدیک‌تر است؛ زیرا کار پاسخ را هوش مصنوعی هم چه بسا بتواند دقیق‌تر انجام دهد، اما مخاطب بعد از دریافت راه‌حل است که به قطع، به حل مشکل خود دست می‌یابد.

۱-۵. شبهه

شبهه مصدر است بر وزن فُعَلَة به معنای مثل، مانند، ابهام، نامعلوم بودن، آمیخته و مشکوک شدن حق با باطل، یا حلال با حرام، به گونه رمز و مجاز چیزی را به چیزی تشبیه کردن (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۵۱۶)، مشابهت و پوشیدگی، اشتباه. امور مشتبه نیز به اموری گفته می‌شود که تشخیص آن مشکل باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۵۰۳). از جهت تعرف الاشياء باضدادها، متضاد شبهه، یقین است.

۱-۶. الگو

الگو یعنی اندازه، میزان و آنچه کمیت را اندازه‌گیری می‌کند.^۲ به عبارت دیگر الگوها، يك نمونه ساده‌شده از واقعیت‌ها هستند و كمك می‌کنند تا هنگام طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری تمام عوامل و متغیرهای مؤثر و روابط آن‌ها مورد توجه قرار بگیرد (گرجی، ۱۳۸۸، ص ۳۵).
الگو در زبان عربی معادل «اسوه» است و از اموری است که تأکید قرآنی هم دارد. به طوری که خداوند پیامبر، حضرت ابراهیم (علیه السلام) و یاران ایشان را به عنوان اسوه معرفی می‌کند؛ بنابراین علاوه بر توجه به مصادیق خاصی که در آیه مبارکه یاد شده، یکی از راهکارهای قرآنی در رسیدن به اهداف، همین ضرورت الگوگیری است (قراتتی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۵۸۱).

۱-۷. الگوی پاسخگویی

الگوی ارائه شده در این مقاله از سه ضلع اصلی مؤلفه‌های جوهری، زمینه‌ای و نتیجه‌ای تشکیل شده است که به عنوان یک الگوی همه‌جانبه، نوع مواجهه هوشمندانه و اثربخش با پرسش و شبهه را

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه شبهه، برگرفته از سایت لغت‌نامه آنلاین آبادیس <https://abadis.ir>.

1. <https://www.etymonline.com>

بیان می‌کند.

این الگویک چارچوب کلی برای پاسخ‌گویی ارائه می‌دهد و قابلیت تعمیم و تکمیل توسط کنشگر پاسخ‌گو مبتنی بر نیازهای منطقه‌ای را دارد. همچنین داری نگاه فرایندی است؛ یعنی فقط به ارائه پاسخ اکتفا نمی‌کند و از پیش‌نیازها و اقدامات قبل از پاسخ تا ارائه پاسخ و بعد از پاسخ را شامل می‌شود.

۲. مؤلفه‌های جوهری

در فرایند پاسخ‌گویی با سه مؤلفه جوهری پرسش، پرسش‌گر و پاسخ‌گو مواجهه هستیم.

۱-۲. پرسش (سؤال / شبهه)

مقصود از پرسش، معنای عام است که شامل سؤال و شبهه است که از ابعاد مختلف قابل بررسی است.

۸۵



۱-۱-۲. انواع سؤال از حیث ماهیت

در یک نگاه کلی مبتنی بر ادبیات قرآن، سه نوع سؤال مطرح می‌شود:

سؤال استعطایی که به انگیزه رفع مشکل مادی و معمولاً با حرف اضافه «من» یا «باء» مطرح می‌شود که مورد مذمت قرار گرفته است.

سؤال استخراجی (استقراری) که به انگیزه اقرار و تأمین دلیل در پرونده است؛ مانند سؤال‌هایی که خداوند از ما در قیامت می‌کند.

سؤال استعلامی که به انگیزه رفع جهل و دست یافتن به علم است و معمولاً با حرف اضافه «عن» مطرح می‌شود. این نوع سؤال مورد تشویق اسلام است.^۱

یکی از آسیب‌های جدی جامعه امروز که به‌خصوص نسل جوان را تهدید می‌کند این است که احساس می‌کنند همه چیز را می‌دانند. یک غرور واهی که ماهیت آن جهل است، آنان را احاطه کرده و به حجابی برای رسیدن به آگاهی تبدیل شده است.

۲-۱-۲. انواع سؤال / شبهه از حیث قالب

تناسب بین قالب پرسش با پاسخ تأثیر بسزایی در فهم پاسخ دارد؛ مثلاً اگر یک شبهه در قالب

۱. مانند روایت «مفتاح العلم السؤال» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۷۴).

پویانگاشت جذاب و نشر جریان ساز صورت می گیرد، بسنده کردن به پاسخ مکتوب، تأثیر مطلوب را نخواهد داشت.

- امروزه شبهات در قالب های زیر در فضای سایبر منتشر می شود:
- نوشتاری: توثیت، یادداشت، مقاله، کتاب، پایگاه های اینترنتی؛
 - گفتاری: برنامه های گفت و گو محور، مناظره (مانند برنامه پرگار بی بی سی، کلاب هاوس)؛
 - رسانه ای: با بهره گیری از گرافیک ایستا (مانند عکس نوشته، کاریکاتور)، گرافیک پویا (پویانگاشت، کلیپ، مستند موشن)، فیلم (سریال، سینمایی، تله فیلم، انیمیشن)؛
- خیلی اوقات دچار ساده انگاری در پاسخ به شبهات می شویم، یعنی انتظار داریم با یک یادداشت ساده، پاسخ یک شبهه که برای آن یک فیلم سینمایی ساخته شده است را بدهیم.

۲-۱-۳. انواع سؤال / شبهه از حیث خاستگاه

یک شبهه یا سؤال می تواند ریشه در خرافات، آداب و رسوم، کرسی های علمی، متون درسی دانش آموزی یا دانشگاهی و مکاتب انحرافی داشته باشد که شناخت خاستگاه شبهه در طراحی اثربخش فرایند پاسخ گویی عنصری تأثیرگذار است.

۲-۲. پرسش گر

- شناخت پرسش گر از دو جهت برای پاسخ گو اهمیت دارد:
- نخست، با این شناخت پاسخ متناسب با مقتضای ویژگی های مخاطب ارائه می شود و تکنیک متناسب پاسخ گویی توسط پاسخ گو اتخاذ می گردد؛
 - دوم، در خلال پاسخ گویی، نوعی آسیب زدایی از نحوه پرسش گری می شود. گاهی اوقات تنقیح و تصحیح پرسش، منجر به حل سؤال یا شبهه می شود.

۲-۱-۲. انواع پرسش گر به لحاظ انگیزه (دوگانه تفقه و تعنت)

در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است که «شخصی مسئله پیچیده ای سؤال کرد. فرمودند برای فهمیدن پرس، نه برای آزار دادن، که نادان آموزش گیرنده، همانند داناست و همانا دانای بی انصاف چون نادان بهانه جو است» (دشتی، ۱۳۸۴، ص ۵۱۳).

براساس این روایت، امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسش گران را به دو دسته تقسیم می کنند:

۱. پرسش به قصد تفقه (فهمیدن)؛

۲. پرسش به قصد آزار دادن و به زحمت انداختن پاسخ‌گو.

امام در اینجا به نوعی اهمیت مخاطب‌شناسی را در پاسخ‌گویی گوشزد می‌کنند.

امام علی بن ابی طالب علیه السلام از گفتار پرسش‌کننده فهمیدند که هدفش آزمودن امام است، این بود که قبل از ارائه پاسخ، به ادب‌کردن و راهنمایی او پرداختند (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۶۸۱).

۲-۲-۲. میزان پرسش

در روایتی آمده است که «الامام الرضا علیه السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَغْضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ وَ إِصَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ؛ پروردگار بگومگو کردن و هدر دادن مال و زیاد سؤال کردن را دشمن می‌دارد» (کلینی، ۱۳۹۷، ج ۱۰، ص ۵۰۱).

سؤال باید به نحوی باشد که مصداق فزونی در پرسش نباشد.

۲-۲-۳. انتخاب دقیق پاسخ‌گو

گاهی یک اشکال دینی دارید؛ بعد از پاسخ، اشکال به اصل دین در شما پدید می‌آید؛ بنابراین انتخاب پاسخ‌گوی خبیر ضروری است. قرآن در این باره می‌فرماید «فَسْئَلُ بِهِ خَبِيرًا؛ پس از خبیر [آگاهی] بپرس» (فرقان، ۵۹).

بعضی درباره کلمه «خبیراً» گفته‌اند حال از ضمیر است و آن ضمیر به خدای تعالی برمی‌گردد و معنای جمله این است که از خدای تعالی بپرس، درحالی‌که او خبیر است. بعضی دیگر گفته‌اند مفعول برای جمله «فسئل» است و باء به معنای «عن - از» می‌باشد و معنای جمله این است که: بپرس از رحمان...، جبرئیل، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، همه کسانی است که کتب آسمانی قدیم را خوانده باشند و به اوصاف خدا و افعالش و کیفیت خلق و ایجاد آگاهی داشته باشند و مطلق همه کسانی است که به این حقایق وقوف و اطلاع داشته باشند، از مصادیق خبیر ذکر شده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۲۳).

از دیگر آیاتی که تأکید به انتخاب دقیق پاسخ‌گو دارد، آیه ۷ سوره انبیا است که در آیه ۴۳ سوره نحل هم تکرار شده است «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».

در تفاسیر آمده است از آنجا که خداوند رسولش را ذکر، معرفی می‌کند (ذکراً رسولاً) (طبرسی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۱۰۱)، اهل الذکر، همان حضرات اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

همچنین اهل ذکر، دانشمندی هستند که تخصص‌شان در علم کتاب آسمانی و عمل به شرایع آن است؛ آن‌ها اهل خبره و عاملین به آن علم‌اند، اخبار انبیا را می‌دانند، پس دیگران باید به آنان

مراجعه نمایند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۷۵).

۲-۲-۴. پرسیدن از یک عالم

وقتی پرسش‌گر، شخصی را شایسته پرسیدن دید، باید سؤال خود را با او در میان گذارد و در صورتی که پاسخ‌گو جواب داد، دلیلی وجود ندارد که شخص بخواهد از افراد مختلف مسئله را پرسد؛ زیرا این امر باعث سردرگمی بیشتر او خواهد شد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: «إِذَا أُرْدَحِمَ الْجَوَابُ خَفِيَ الصَّوَابُ؛ هرگاه پاسخ‌ها بسیار شود، پاسخ درست پوشیده خواهد شد» (شریف رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۲۴۳).

شاید این حدیث بر این مطلب دلالت کند که نباید مسئله واحد را از چند دانشمند پرسید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۳).

۲-۲-۵. توجه دقیق به پاسخ

هدف از پرسش‌گری، فهمیدن است و مقدمه فهم، توجه دقیق به پاسخ است. اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم (علیه السلام) سؤالی پرسیدم؛ امام پیش از پاسخ فرمود: «إِذَا سَأَلْتَ عَنْ شَيْءٍ فَفَرِّغْ قَلْبَكَ لِتَفْهَمَ؛ وقتی از مطلبی پرسیدی، قلب خود را برای فهمیدن آماده کن» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۶۹).

۲-۲-۶. خوب پرسیدن

زمانی انسان پاسخ مناسب دریافت می‌کند که خوب پرسد. از نگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوب پرسیدن نیمی از دانش است «حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۴). گاهی پرسش‌گر پرسش را دقیق نمی‌پرسد، پاسخ‌گو در این مواقع، قبل از پاسخ، بایستی ابتدا با پیرایش و بازنمایی سؤال، زمینه را برای پاسخ دقیق فراهم کند.

۲-۲-۷. رعایت اختصار

پرسش‌گر باید سؤال خود را در کلامی کوتاه اما گویا بپرسد؛ زیرا از نگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) بهترین گفتار، سخنی است که در عین کوتاهی، گویا باشد «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يُمِلُّ وَلَا يُقَلُّ؛ بهترین سخن آن است که ملالت نیاورد و کم نباشد» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۰)؛ یعنی نه آن قدر پرگویی شود که باعث ملالت شونده شود و نه آن قدر مختصر باشد که نتواند مطلب مورد نظر را برساند.^۱

۱. ممکن است که «يَقَلُّ» به صیغه مجهول از باب افعال خوانده شود و معنی این باشد که کم شمرده نشود؛ یعنی

احترام به پاسخ‌گو، اجازه خواستن، عدم پیش‌دستی بر استاد در پاسخ، تشکر از پاسخ‌گو، رعایت نوبت، شرم‌نکردن، زمان پرسش، توجه به ضبط جلسه و عجله‌نکردن از دیگر موارد مهم در مورد پرسش‌گر است که پاسخ‌گو باید به مخاطب منتقل کند.

۲-۳. پاسخ‌گو

سرآغاز این بخش را با فرمایشی از شهید امام خامنه‌ای رحمته‌الله آغاز می‌کنیم: «یک نفر می‌آید فکر و شبهه و پیشنهاد فکری‌ای را در میان می‌گذارد؛ اگر بخواهیم درست انتخاب کنیم، باید بتوانیم آن را بشناسیم، بفهمیم، تجزیه و تحلیل کنیم و نقاط و بخش‌های غلط آن را کنار بزنیم و اگر بخش درستی دارد، آن را بگیریم و با بخش‌های درست خودمان درهم بیامیزیم و مخلوق خودمان را ارائه دهیم».^۱

پاسخ‌گویی یک فرایند است که دارای سه ویژگی بینشی، دانشی و مهارتی است. ویژگی‌های مهارتی نیز سه بخش قبل از ارائه پاسخ، ارائه پاسخ و بعد از ارائه پاسخ را شامل می‌شود. زمانی که یک کنشگر فرهنگی می‌خواهد پا به عرصه پاسخ‌گویی گذارد، ضرورت دارد نخست این فرایند را بشناسد و سپس با تمرین به آن تسلط یابد.

۲-۳-۱. ویژگی‌های بینشی (بصیرتی)

بصر به معنای «ما یری بها صور الاشياء وظواهرها» است که تنها ظاهر را می‌بیند، لکن بصیرت، به معنای «ما یری بها حقائق الاشياء وبواطنها» است که باطن و حقیقت اشیاء را می‌بیند. بصیرت، عنصری قلبی و بینشی درونی است که به بواطن امور نفوذ پیدا کند و به یک باطن و حقیقت می‌رساند.

یکی از اسامی قرآن بصایر است و اصلاً سرمنشأ بصیرت، قرآن است آنجا که می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ؛ آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماست البته از طرف پروردگارتان آمد (ترجمه قمشاهی) (انعام، ۱۰۴)».

بصیرت مربوط به قلب و جان انسان است و زمانی حاصل می‌شود که معرفت بدون اجمال و ابهام حاصل گردد. بصیرت منجر به روشنایی و نور خاصی می‌شود که آرامش‌دهنده قلب است.^۲

مردم آن را کم‌شمارند (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۴۲۴).

۱. بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی مورخ ۱۳۸۴/۰۳/۰۵ برگرفته از سایت Khamenei.ir

۲. تفسیر صوتی دکتر انصاری

بنابر کلام امام سجاد (علیه السلام) بصیرت، قدرت تشخیص و تطبیق و به کارگیری دانش یاد گرفته شده است، به گونه ای که منجر به عمل شود.

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «توفیقم ده تا نسبت به آنچه به من بصیرت می دهی اقدام کنم، تا به کار بستن چیزی از آنچه به من تعلیم داده ای از دستم نرود» (ابراهیمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۱۹). توضیح آن که گاهی انسان در تشخیص مصداق دانشی که دارد دچار تردید شده و از این جهت در عمل به وظیفه دچار مشکل می شود؛ فلذا امام (علیه السلام) باز در فراز دیگری از ادعیه خود می فرماید: «و هیچ شک و ریبی، بصیرت و معرفت آن ها را از راه توحید خدا منحرف نکرده است» (ابراهیمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۵)؛ یعنی بصیرتشان به گونه ای است که در آن به دوگانگی و تردید نیافتاده اند؛ (یعنی هیچ گاه در عمل دچار مشکل نمی شوند) بنابراین بصیرت منجر به توانایی تطبیق مفاهیم بر موضوعات می شود و به نافذالبصیره بودن نزدیک تر می کند؛ همان طور که حضرت عباس (علیه السلام) این گونه بودند.

۲-۳-۲. ویژگی های دانشی

در اینجا نکات و شیوه ارتقا «سرمایه علمی» پاسخ گو بیان می شود. ویژگی های دانشی علاوه بر تجهیز کارشناس به محتوای علمی و افزایش دانایی، مؤلفه هایی است که منجر به افزایش «اعتبار علمی» می گردند.

۲-۳-۳. توجه به اعتبار علمی

در دنیای تجارت و علم، «اعتبار» مهم ترین سرمایه است و بر دو پایه استوار است: دانش و امانت داری. پیرامون این اصل به این پرسش پاسخ می دهیم که به چه دلیلی مردم باید شمای پاسخ گور را دارای اعتبار علمی بدانند و به شما مراجعه کنند و چگونه اعتبار علمی خود را حفظ کنیم یا ارتقا بخشیم؟

۲-۳-۴. توانمندی در گفتن نمی دانم

از مهم ترین مهارت های پاسخ گویی، توانمندی در فهم و پذیرش و بیان «نمی دانم» است. دستور قرآنی «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن» (اسراء، ۳۶) به صراحت، ما را از رویکرد وهمی، حدسی و نامطمئن باز می دارد. برخی پاسخ ندادن به یک شبهه و سؤال را ذنب لایغفر و موجب کسر شأن می دانند؛ لذا در پاسخ به هر سؤالی، رطب و یابس را به هم

بافته^۱ و این کار را بهتر از ابراز کلمه «نمی دانم» می دانند.

۲-۳-۵. شناخت کافی از بحث

در پاسخ به سؤالات پیچیده دینی و تاریخی، تکیه بر سلیقه شخصی به جای دانش کافی، اعتبار پاسخ را از بین می برد؛ بنابراین برای ارتقای شناخت و ارائه پاسخ های معتبر، باید روش های مناسبی برای کسب دانش پیدا کنیم که شامل:

(الف) مطالعه روشمند: که شامل دقت در این مؤلفه هاست:

- منابع معتبر

منابع معتبر، لزوماً به معنای منابع همسو با دیدگاه ما نیستند. گاهی برای نقد یا تحلیل یک دیدگاه، ارجاع به خود منبع اصلی (مانند کتاب سرمایه مارکس برای توضیح مارکسیسم) اعتبار بیشتری دارد تا نقل قول از منابع دیگر.

- منابع متکثر

تکثر منابع موجب می شود که ما ضمن فهم آرای مختلف و مقایسه دقیق نظرات و در نتیجه احاطه به مسئله، از کانالیزه شدن و بی خبر بودن از جوانب دیگر بحث ایمن بمانیم. شهید مطهری در این رابطه می گوید: «... تا زدو خورد عقاید نباشد، عقاید پیشرفت نمی کند... هر زمانی که قطب مخالف از عقیده حق گرفته شود، خود عقیده حق طبعاً به سوی فساد می گراید؛ یعنی عوام الناس می آیند در اطراف این عقیده حق آن چنان می بافند و مخلوط می کنند... که عقیده حق به دست طرفدارها زیان می بیند...» (مطهری، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵).

- تداوم در مطالعه

پاسخ گوی ماهر، همواره در حال افزایش اطلاعات خود و آخرین دستاوردهای پژوهشی و مطالعه وضعیت میدانی است و منتظر شبهه نیست و مداوم شبهات را رصد می کند (پورنوروز، ۱۴۰۳، ص ۱۲۱) و پیش از آن که مستقیم مورد پرسش قرار بگیرید، برای شبهات با فکر و مطالعه قبلی آماده است.

(ب) تدبیر عاقلانه

مطالعه زیاد به تنهایی کافی نیست، بلکه باید با دقت، تأمل و تفکر همراه باشد. شخصیت های بزرگ علمی به عنوان «اندیشمند» و «متفکر» شناخته می شوند؛ زیرا علاوه بر دانش، توانایی تحلیل آن را نیز دارند.

۱. سخن صواب و ناصواب را به هم آمیختن و بی اندیشه سخن گفتن.

ج) نتیجه‌گیری مدبرانه

وقتی خوب خواندیم و شنیدیم و سپس خوب اندیشیدیم، اینک نوبت آن است که با یک نتیجه‌گیری عالمانه و عاقبت‌اندیشانه، اعتقادات خود و دیگران را مستحکم سازیم.

د) تمرین موارد فوق

باید با تمرین مداوم، رویه‌های اشتباه گذشته مانند تبلی در پژوهش، کانالیزه بودن، ساده‌سازی مطالب پیچیده، عجله در نتیجه‌گیری، تعصب بی‌جا و مانند این‌ها را کنار گذاشت.

۲-۳-۶. شناخت کافی از سؤالات پرتکرار

این سؤالات معمولاً تحت تأثیر رسانه‌ها شکل می‌گیرند و پاسخ‌گویان با تجربه، این سؤالات را رصد و پاسخ‌های عالمانه و خلاقانه برای آن تهیه می‌کنند.

۲-۳-۷. مراقبت بر عوامل خطای ذهنی

بی‌دقتی، بی‌مولاتی و بی‌توجهی به جزئیات مهم مانند منبع دقیق و معنای صحیح کلمات، ضعف تحلیل و تبادل ذهنی و عدم تجربه کافی در مباحثه و پرسش و پاسخ، باعث می‌شود فرد تحت تأثیر احساسات و جو قرار گیرد و دچار غافلگیری و خطای ذهنی شود.

۲-۳-۸. یادگیری مغالطات

یادگیری نوع مواجهه با مغالطات، که بخشی از علم منطق است، معمولاً به دلیل گستردگی مباحث منطق به اندازه کافی مورد توجه قرار نمی‌گیرند. از آنجا که شبهه‌افکنان برای فریب مخاطب از مغالطات و مستندات غیرواقعی استفاده می‌کنند، تسلط بر این مغالطات برای کارشناسان پاسخ‌گو ضروری است.^۱

۲-۳-۹. شناخت جریان‌های تولید شبهه

وقتی کارشناس بداند ریشه‌های این شبهه از چه جریان‌های فکری و انحرافی منبث می‌شود، در پاسخ‌گویی علاوه بر ارائه پاسخ، ریشه‌های انحرافی را تبیین می‌کند و این به بارورکردن عقلانیت مخاطب کمک می‌کند. مبارزات شهید مطهری با اندیشه‌های مارکسیسم را می‌توان نمونه خوبی برای این بحث دانست.

۱. کتاب منطق و تفکر انتقادی به قلم حسن معلمی، به ۳۴ مغالطه پرکاربرد می‌پردازد.

جریان‌هایی مانند باستان‌گرایی، فمینیسم، آنتیسم، وهابیت، حجتیه، تسنن آمریکایی، تشیع لندنی، ... از مهم‌ترین جریان‌هایی هستند که شبهات بسیاری از سوی آنان تولید و ترویج می‌شود.

۲-۳-۱۰. مزیت نسبی^۱

مزیت نسبی یا تخصص‌گرایی، دارای دو بعد است:

بعد عام: اگر به منابع دینی احاطه دارید، این توانایی را در پاسخ به مسائل مختلف باید حفظ کرد و فراموش نکرد که به‌عنوان یک عالم دینی، اعتبار ویژه‌ای به‌دلیل تلفیق دستاوردهای علمی و بشری با منابع دینی دارید. در پاسخ‌گویی، از دانش صرفاً بشری باید فراتر رفت و غنای فقهی، کلامی یا اخلاقی را به پاسخ‌های خود افزود.

بعد خاص: با توجه به گسترش علوم و تخصصی شدن آن، پاسخ‌گویی در همه حوزه‌ها برای یک نفر دشوار است. پس از گذراندن مقدمات علوم دینی، بهتر است طلاب یکی از رشته‌های تخصصی مانند احکام، کلام، سیاسی، تفسیر، حدیث، تاریخ، اخلاق، مشاوره، فرهنگی و... را براساس علاقه و تجربه انتخاب کرده و پس از کسب دانش و تجربه کافی، به پاسخ‌گویی تخصصی در آن حوزه بپردازند.

۲-۳-۱۱. ویژگی‌های مهارتی

سه مرحله در فرایند پاسخ‌گویی دیده می‌شود که سه دسته مهارت را دربرمی‌گیرد:

۱. قبل از پاسخ؛

۲. حین پاسخ؛

۳. بعد از پاسخ.

۲-۳-۱۱-۱. قبل پاسخ

پاسخ‌گویی اقدامی دفعی نیست و برای موفقیت نیاز به برنامه‌ریزی دارد که اگر تمهیداتی از قبل پیش‌بینی شود، به افزایش کیفیت پاسخ‌گویی منجر خواهد شد.

یکی از آسیب‌های جدی در پاسخ‌گویی، عدم درک صحیح پرسش و پرسش‌گر است. برای ارائه بهترین پاسخ، باید به خوبی متوجه دلیل و هدف پرسش شد. این امر مستلزم داشتن مهارت‌های زیر است:

۱. از اصطلاحات رایج در تجارت بین‌الملل به‌معنای تخصص‌گرایی و توان خاصی در یک تولید نسبت به سایر کشورها است (حقیقی، ۱۳۸۶، ص ۳).

۱. مهارت صبر و دقت و استماع: عجله، اضطراب، پیش داوری و عدم تمرکز، باعث بی دقتی در فهم سؤال می شوند.

۲. مهارت درک روشمند (موضوع شناسی): باید ابعاد مختلف سؤال (فقهی، اخلاقی، کلامی، قانونی و...) را تشخیص داد و همان بُعدی را پاسخ داد که مورد نظر پرسش گر است.

۳. مهارت فهم سؤال: اگر سؤال مبهم است، باید برداشت خود از سؤال را بیان کنیم تا ابهام زدایی شود و از پرسش گر بخواهیم منظور خود را تأیید کند.

۴. تنقیح و تحدید سؤال: (محمّدی، ۱۳۸۸، ۱۲۰) قبل از پاسخ، گاهی لازم است پرسش را بازآرایی کرده و با حذف زواید، آن را دقیق تر مطرح کنیم. تحدید موضوع پرسش نیز ضروری است.^۱

۵. مهارت حس ششم: باید هدف پرسش گر را تشخیص داد (مچ گیری، بیان نظر خود در پوشش سؤال، تفریح و...) و متناسب با آن پاسخ داد.

همچنین رصد، شناخت کافی از سؤالات پرتکرار، اطلاع از مخاطبین، وضعیت مکانی، تجهیزات مورد نیاز، ایجاد فضای پرسش گری و پالایش سؤال از شبهه از مواردی است که قبل از ارائه پاسخ باید به آن توجه داشت (پورنوروز، ۱۴۰۴، ص ۱۱۵-۱۱۷).

۲-۱۱-۳-۲. حین پاسخ

کارشناس در هنگام شروع به پاسخ به مهارت هایی نیاز دارد که فی الجمله به آن می پردازیم:

۱) فرایند اصلی حین پاسخ

فرایند حین پاسخ سه بخش مهم دارد: ۱. طرح مسئله؛ ۲. متن پاسخ؛ ۳. نتیجه گیری. این بخش ها را لزوماً به صورت مقاله علمی-پژوهشی پاسخ ندهید، اگرچه از آن شیوه باید الگو بگیرید.

الف) طرح مسئله: پاسخ گو باید بتواند مسئله را بهتر از پرسش گر باز کرده و ابعاد مخفی آن را آشکار کند.

ب) متن پاسخ: برای جلوگیری از آشفتگی و نادیده گرفتن بخش هایی از سؤال، باید متن پاسخ را تفکیک کرد و هر بخش از سؤال را به صورت مجزا پاسخ داد. این تفکیک می تواند با شماره بندی یا تیتر وار انجام شود.

۱. یکی از بهترین نمونه های تحدید موضوع، مناظره امام جواد (علیه السلام) با یحیی بن اکثم است (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۸۳).

ج) نتیجه‌گیری: بدون این‌که پاسخ را مجدداً توضیح دهیم، به نکات کلیدی اشاره کنیم. هدف این است که فرد به درک درستی از نتیجه برسد، نه این‌که صرفاً به چکیده‌ای از پاسخ اکتفا کند.

۲) مهارت برقراری ارتباط مؤثر

میان پرسش‌گر و پاسخ‌گو باید یک ارتباط پویا و گرم برقرار باشد. گاهی با یک ارتباط نیمه‌جان و یا غیرزنده میان این دو مواجهیم. گاهی جایزه و خواهش و تعارفات و تملق‌گویی به مخاطب، هنر ارتباط‌گیری مؤثر نیست، بلکه مخاطب را بیشتر منزجر ساخته و به وی حس تحمیق و فریب و نفاق را منتقل می‌کند.

مهارت‌هایی مانند ارتباط شناختی، ارتباط کلامی و غیرکلامی، شناخت بسترهای اجتماعی، شناخت خطاهای ارتباطی (سیف، ۱۳۸۴، ص ۹۰-۱۰۴) گوش دادن فعال، اقناع و مانند آن در زمره مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی محسوب می‌شود.

۹۵



۳) گزیده‌گویی

برخی به دلیل دفع دخل مقدر^۱ می‌خواهند به تمام سؤالات جانبی و احتمالی پاسخ دهند که علاوه بر گم شدن پاسخ اصلی، دچار مطول‌گویی می‌شوند.

استفاده از عبارات پرمغز، موجز و تأثیرگذار که معانی زیادی را دربردارند، در ذهن مخاطب ماندگار می‌شود. به‌عنوان مثال عبارت «انسان جدی و کارآمد» (امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۲۹۴) که امام برای تبیین نگاه اسلام به زنان بیان کردند، نمونه‌ای از این عبارات طلایی و ماندگار است.

۴) تقدیم پاسخ‌های نقضی

به‌خصوص در پاسخ به شبهات، اصل مهم، شروع با «پاسخ‌های نقضی» است. پاسخ نقضی باید براساس اصول یقینی، بدیهی عقلی یا اعتقادات خود شبهه‌گر باشد تا او را مجبور کند یا از استدلالش دست بردارد یا از باورهایش صرف‌نظر کند.

البته آنچه جواب سؤال است، پاسخ‌های حلی است و نباید به پاسخ نقضی اکتفا کرد؛ زیرا پاسخ نقضی تنها استدلال شبهه‌گر را تخریب می‌کند و پاسخ حلی است که بر روی خرابه‌های

۱. به معنای پیش‌دستی در پاسخ‌دادن از سؤال مقدر در بحث است و هدف از آن، پیشگیری از ایرادی است که ممکن است در آینده مطرح شود؛ لذا قبل از پاسخ، به سؤال احتمالی و داخل در بحث پیش‌دستانه پاسخ داده می‌شود.

استدلال‌های باطل، بنای محکم و مناسب حق را می‌سازد (پورنوروز، ۱۴۰۴، ص ۱۲۳).

۵) مهارت در ملاحظات

برای پاسخ‌گویی اثربخش باید به آداب ارتباط، ملاحظات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مخاطب توجه کرد. احترام به تفاوت‌ها، دقت در استعمال عبارات (مثلاً استفاده از عبارت «رفتارها یا روابط پرخطر» به جای عبارات «روابط نامشروع»)، هوشمندی در بیان و همچنین اصل «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۲۳) را به ملاحظات پاسخ‌گویی خود اضافه کنید.

۶) اصل عقلانیت و منطقی بودن

منطقی بودن کلید جلب نظر مخاطب است، حتی اگر در نهایت موفق به حل کامل مسئله نشویم. این نکات کمک به ایجاد عقلانیت در پاسخ‌گویی می‌کند: پرهیز از قضاوت و مقصریابی، اسکات خصم یا اظهار فضل و لجاجت، خوداقناعی، مدیریت احساسات، تمرکز بر پاسخ‌گویی و نه پاسخ‌سازی، انصاف و اعتراف به ندانستن، تمرکز بر حل مسئله نه فرار از پاسخ‌گویی و خودداری از پاسخ دادن به سؤالات فرضی یا انحرافی (پورنوروز، ۱۴۰۴، ص ۱۳۲).

۷) اصل رحم و شدت

قرآن پیروان پیامبر ﷺ را افرادی معرفی می‌کند که در بین خود، دارای رحم و در مقابل کفار دارای شدت هستند.^۱ اگر معنای شدت با کفار این بود که هرگز به کفار رحم نکنیم و صرفاً با زبان شمشیر و بی‌رحمانه با آنان مواجه شویم، اول این‌که تأملی در سیره نبوی و محبت و صبر ایشان در بسیاری اوقات در مورد مشرکین و حتی دشمنان خود، خلاف آن را اثبات می‌کند و دوم این سؤال را بی‌پاسخ خواهد گذاشت که پس چگونه پیامبر رحمة للعالمین ﷺ توانست در میان کفار و مشرکین تا این حد اسلام را گسترش دهد و مقبول سازد؟

رهبر شهید انقلاب در تفسیر این آیه معتقدند: «اشدء جمع «شدید» است. شدید یعنی سخت، سخت یعنی نفوذناپذیر. هر جسمی که سخت‌تر باشد، وقتی با جسم دیگری اصطکاک پیدا کرد، در آن جسم دیگر اثر می‌گذارد، اما از آن جسم اثر نمی‌پذیرد. همه‌مان اینجوری باشیم؛ اشدء باشیم، اما شدید بودن، اثرگذار بودن، لزوماً به معنای دعوایر بودن و پرخاشگر بودن نیست».^۲

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲. شهید امام خامنه‌ای رحمته‌الله، سیدعلی، بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۶ مرداد ۱۳۹۱، پوند:

با این اوصاف، اصل «رحم و شدت» یعنی یک پاسخ‌گو باید در عین محبت به فرد، نسبت به انحراف فرد شدید باشد. به بیان دیگر در عین رحم و محبت بتواند با توانمندی خویش بیشترین اثر را بگذارد (همان، ص ۱۳۳).

۸) پاسخ ندادن به هر سؤال (مستثنیات پاسخ)

پاسخ ندادن به هر سؤال از دو جهت قابل بررسی است:

نخست، برخی افراد دچار کثرت سؤال هستند که یک آسیب محسوب می‌شود و به نوعی باید این مشکل را به پرسش‌گر گوشزد کرد.

دوم، با توجه به گستردگی علوم، هر شخص نمی‌تواند به حوزه‌های مختلف کلامی، احکامی، اخلاقی، سیاسی، تاریخی و... مسلط شود به نحوی که بتواند پاسخ اقناع‌کننده ارائه دهد.

بنابراین، در مواردی که حوزه تخصصی فرد نیست بهترین راه، پاسخ نمی‌دانم یا ارجاع به منبع پاسخ‌گویی مرتبط است. شاید از این جهت باشد که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ مَنْ أَجَابَ فِی كُلِّ مَا یَسْأَلُ عَنْهُ لَمَجْنُونٌ»؛ به‌راستی آدمی که به هر چه از او پرسیده شود پاسخ گوید، دیوانه است» (شیخ صدوق، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۳۸).

۹) کنکاش نکردن نابجا

بسیاری از سؤالات نیازی به پاسخ ندارند. پاسخ‌گو در این مواقع باید پرسش‌گر را متوجه این موضوع کند که دانستن جواب منجر به مشکلاتی برای او خواهد شد و پرسش‌گر را از دریافت پاسخ منصرف کند.

قرآن کریم در این موارد می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ؛ ای اهل ایمان! از احکام و معارفی [که شریعت اسلام از بیان آن‌ها خودداری می‌کند] بپرسید که اگر برای شما آشکار شود، غمگین‌تان کند (مانده، ۱۰۱).

برخی مسائل برای حفظ نظام اجتماع یا مصالح افراد بهتر است پنهان بمانند. در این موارد، پرسش برای آشکارسازی واقعیت ناپسند است؛ مثلاً پنهان‌سازی بیماری‌های سخت از بیماران توسط پزشکان برای جلوگیری از وحشت و تأخیر در بهبودی، نمونه‌ای از این استثناهاست. بیمار نباید با اصرار و سؤال مکرر، پزشک را مجبور به گفتن حقیقت کند، زیرا این کار ممکن است به ضرر او تمام شود.

۱۰) صداقت

برخی پاسخ‌گویان به دلیل جهل، غفلت یا تعصب، به خلاف واقع‌گویی روی می‌آورند. این افراد ممکن است دانش کافی داشته باشند، اما به جای صداقت، سعی در فریب، ساکت‌کردن یا تحقیر پرسش‌گر دارند. بازی دادن مخاطب یا استفاده از دانش برای دور زدن او، خلاف اصل صداقت است. مخاطب معمولاً متوجه این بی‌صداقتی می‌شود و این امر به حیثیت پاسخ‌گو و آنچه او نمایندگی می‌کند، ضربه می‌زند.

۱۱) تله‌های ذهنی

عدم توجه به تله‌های ذهنی، فرایند پاسخ‌گویی را دچار چالش می‌کند. تله‌های ذهنی عبارت‌اند از اسارت یا به بند کشیدن ذهن به واسطه احساسات نابجا و یا خطای شناختی که به وجود می‌آید؛ پاسخ‌گو باید این‌ها را بشناسد که در این تله‌ها نیفتد و دیگران هم که اسیر آن شده‌اند از این تله‌ها خارج کند.

فیلتر منفی، متناقض‌نمایی، تجاها، شخصی‌سازی، انتساب، پوچ‌اندیشی، تزریق، پیوستار، احساسی، آمار، ابهام، چاه مسموم و آدم پوشالی از جمله مهم‌ترین تله‌هاست که پاسخ‌گو بایستی با هر یک از آن‌ها آشنا باشد و راه شکست آن‌ها را نیز بشناسد (پورنوروز، ۱۴۰۴، ص ۱۴۵). همچنین ارتقا مخاطب، تعریف و تمجید، توجه به ظرفیت پردازش موضوع، مخاطب‌شناسی، مهارت در احترام و ملایمات از مهم‌ترین مهارت‌های مربوط به حین پاسخ‌گویی است.

۲-۱۱-۳. بعد پاسخ

بعد از اتمام و ارائه پاسخ، جهت حفظ ارتباط با مخاطب و کمک به اثرگذاری، پیشنهاداتی مطرح می‌شود:

- آشناسازی مخاطب با یک منبع مهم پاسخ‌گویی؛^۱
- تشویق و تمجید مخاطب که برای مسائل دینی ارزش قائل بوده و اجازه نداده شبهات ذهن او را درگیر کند؛
- اتمام پاسخ‌گویی با یک جمله‌ای محبت‌آمیز بنا به اقتضای حال.

۱. معرفی مراکزی مانند مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات یا مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی که از طریق تلفن ۰۹۶۴۰۰ و اپلیکیشن پاسخ‌گو خدمات گسترده‌ای در حوزه پاسخ‌گویی دینی ارائه می‌دهند.

۲-۳-۱۲. مهارت‌های اختصاصی پاسخ‌گویی گفتاری

غیر از مهارت‌های عمومی پاسخ‌گویی، در پاسخ‌گویی گفتاری، داشتن برخی مهارت‌ها ضرورت و نقش پررنگ‌تری دارد.

مهارت‌های ایجاد اعتماد، استماع، فن بیان (شمرده‌گویی، لحن مناسب، مکث به موقع، نوسان سخن، راحت‌گویی)، زبان بدن (ارتباط چشمی، تسلط بر چهره، جابجایی، حرکات دست و سر)، پرسش اکتشافی، استخدام واژه‌ها، قاطعیت و احترام، کنترل بحث (مدیریت مخاطب و جملات، اجتهاد در صحنه) و قابلیت سقراط^۱ از جمله مهارت‌های اختصاصی در پاسخ‌گویی گفتاری است (همان، ۱۶۸).

۲-۳-۱۳. مهارت‌های اختصاصی پاسخ‌گویی نوشتاری

پاسخ‌گویی نوشتاری، ماندگار و مرجع است و مهم‌تر این‌که در پاسخ‌گویی نوشتاری، فرصت تأمل، تحقیق و جستجو وجود دارد. پاسخ‌گویی مکتوب که همراه با تحقیق و مراجعه و سند و پی‌نوشت و ویرایش دقیق صدر و ذیل بحث است، سرمایه‌ی رقیبی در رشد نخبگانی پاسخ‌گو است.

مهارت ادبی (صحیح‌نویسی، روان‌نویسی، تخصصی‌نویسی)، مهارت غنی‌سازی و مهارت در اسناد و استناد از جمله مهم‌ترین مهارت‌های پاسخ‌گویی مکتوب است.

۲-۳-۱۴. مؤلفه‌های زمینه‌ای

مؤلفه‌های زمینه‌ای توجه به ابعاد پیرامونی فرایند پاسخ‌گویی است. آداب و رسوم، جغرافیا و محل زندگی، محیط‌های علمی و غیرعلمی، توجه به لهجه و زبان، نژاد، قومیت، تنوع مذهبی، زمان و فضای پرسش که تحت تأثیر اتفاقات و رویدادهای اجتماعی است و مانند آن ذیل مؤلفه‌های زمینه‌ای مطرح می‌شود.

۱. این مهارت برگرفته از نکته‌ایست که سقراط گفته: «من دانش و هنری ندارم، تنها هنر من این است که مانند مادرم فن قابلیت می‌دانم، با این تفاوت که مادرم زن‌ها را در وضع حمل مدد می‌کرد و من، عقل‌ها و ذهن‌ها را مدد می‌کنم که زاینده شوند» (خراسانی، ۱۳۹۲، ص ۷۰).

امام خامنه‌ای رحمته‌الله در این خصوص از دانش‌واژه «بارورکردن عقلانیت» استفاده می‌کنند (بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله، مورخ ۱۳۸۳/۴/۱۵، پیوند: <https://khl.ink/f/3240>)

۲-۳-۱۵. مؤلفه‌های نتایج

طبق روایات، فرایند پاسخ‌گویی بایستی منتهی به نتایجی شود. فهم این نتایج به پاسخ‌گو کمک می‌کند که فرایند را طوری طراحی کند که به این نتایج منجر گردد.

۱. اجر

در روایتی پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الْعِلْمُ خَزَائِنُ وَمَفَاتِيحُ السُّؤَالِ فَاسْأَلُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُجِزُّ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَالْمُعَلَّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ؛ دَانَش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای آن پرسش است؛ پس پرسید - خدای شما را رحمت کند - زیرا که خداوند چهار نفر را پاداش می‌دهد: پرسش‌کننده، گوینده، شنونده و کسی که اینها را دوست دارد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۹۶).

براساس این روایت پرسش‌کننده شامل دعای رحمت پیامبر ﷺ می‌گردد و به واسطه این عمل پرسش‌گر، نه تنها خود او بلکه پاسخ‌دهنده، شنندگان و حتی دوستداران آن‌ها هم از پاداش الهی بهره می‌گیرند. پاسخ‌گو همیشه باید هم خودش به این مهم توجه کند و هم پرسش‌کنندگان و شنندگان فرایند پرسش و پاسخ را به این نکته رهنمون سازد.

۲. تفقه

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روایتی پرسیدن را به قصد فهمیدن و نه آزار دادن بیان کردند.^۱ در توضیح «تفقه» باید گفت که «فقه» به عنوان برترین عبادات و اساس دین اسلام معرفی شده است. فقه در لغت به معنای فهم و ادراک دقیق، عمیق، ژرف‌نگرانه و موشکافانه در یک موضوع است. تفقه که در باب تفعل است، با لحاظ قاعده «زیادة المبانی تدلّ علی زیادة المعانی»، دلالت بر اهتمام و اجتهاد برای فهم عمیق و دقیق می‌کند (انصاری، ۱۳۹۸، ص ۱۱). نتیجه فرایند پرسش و پاسخ باید به تفقه به معنای مذکور باشد؛ یعنی به ارائه یک پاسخ اکتفا نشود، بلکه فهم عمیق و دقیق را برای پرسش‌گر ایجاد کند.

۳. یقین و هدایت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روایتی مهم، درباره شبهه می‌فرماید: «إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبْهَةُ شُبْهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ، وَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضَيَّأُوهُمْ فِيهَا الْيَقِينَ، وَدَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى، وَأَمَّا أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدَعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ وَدَلِيلُهُمُ الْعَمَى؛ شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد، اما نور هدایت بخش دوستان خدا در شبهات، یقین است و راهنمای آنان مسیر هدایت الهی است و

شبهه

در
مجموعه
شبهه
فقه
پیامبر
و زو
۱۴۰۴

۱. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِسَائِلِ سَأَلَهُ عَنْ مُعْضِلَةٍ سَلَّ تَفَقُّهَا وَلَا تَسْأَلْ تَعْتَنَّا فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهُ بِالْعَالِمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهُ بِالْجَاهِلِ. (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰)

دشمنان خدا که دعوت‌کننده آنان در شبهات، گمراهی است و راهنمای آنان کوری» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۸۱).

براساس این روایت شریف، اگر بخواهیم شبهات بی‌اثر شوند، بایستی پرسش‌گر را به یقین رساند و این از طریق هدایت الهی محقق می‌شود.



مدل مفهومی الگوی پاسخگویی

نتیجه

دانستن لزوماً موجب توانستن نیست. مهارت، توانایی عملی به‌کار گرفتن دانسته‌ها است. به هر میزان که بتوانیم دانش را در مسیر خاصی به‌کار بگیریم، به همان میزان، مهارت داریم. بخش بزرگی از فضلا، شیوه صحیح به‌کارگیری دانسته‌های خود در جهت پاسخ به پرسش‌ها و شبهات را نمی‌دانند یا کمتر به آن توانا هستند؛ به عبارت دیگر مهارت پاسخ‌گویی آنان کامل نیست.

باید گفت که ترویج فرهنگ پرسش‌گری که مبتنی بر نگاه ثقلینی است و قالبی است که کاربردهای بسیاری دارد^۱ و یکی از مهم‌ترین ضروریات امروز جامعه اسلامی با دورویکرد پدافندی و آفندی است. این مقاله با هدف پیاده‌سازی و فراگیرسازی این فرهنگ، با تکیه به آیات و روایات، نخست به بیان جایگاه عمیق و وثیق پاسخ‌گویی پرداخت و در این راستا براساس

۱. حتی به مزاح می‌توان گفت نه‌تنها در دنیا کاربرد دارد، بلکه در شب اول قبر و حتی در قیامت نیز از این قالب استفاده شده است.

تجربه‌های میدانی^۱ و بر مبنای عقل و نقل، برای توانمندسازی کنشگران عرصه پاسخ‌گویی، الگویی را مطرح کرد.

این الگو دارای سه مؤلفه جوهری پرسش و پرسش‌گر و پاسخ‌گو، مؤلفه‌های زمینه‌ای مانند آداب و رسوم، جغرافیا، محیط‌های علمی و غیرعلمی، لهجه و زبان، قومیت، تنوع مذهبی، زمان و فضای پرسش و مؤلفه‌های نتایج شامل اجر، تفقه، یقین و هدایت می‌باشد که باید طی فرایند پاسخ‌گویی، پاسخ‌گو، پرسش‌گران را به این چهار مطلوب برساند.

الگوی ارائه شده مبتنی بر اصولی مطرح شده است که خواننده بتواند این اصول را بر فروع تعمیم دهد و با تسلط بر آن، بر مهارت خود در پاسخ‌گویی نوشتاری و گفتاری بیفزاید. این الگو قابلیت بومی‌سازی و شخصی‌سازی براساس نیاز پاسخ‌گو را نیز دارد.

و سخن آخر آن که گاهی می‌توان صرفاً پاسخ داد و گاهی می‌توان به یک مأمن و مأوای بینشی تبدیل شد. بالا رفتن مهارت پاسخ‌گویی به ما این امکان را می‌دهد که به پناهگاهی برای سؤالات و شبهات مردم تبدیل شویم.

۱. این کار موضوع علم مدیریت دانش (KMS) است که در آن دانش ضمنی مثل تجربه‌ها به دانش صریح مبدل می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی، معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی، معانی الاخبار، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن میثم بحرانی، کمال الدین، شرح نهج البلاغه ابن میثم، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۵. اشتهاردی، محمد مهدی، حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم، قم: اخلاق، ۱۳۸۹.
۶. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، چ ۲، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵.
۷. پورنوروز، محمد؛ شکوهیان راد، محمدعلی و گوهری، فاطمه، آسیب شناسی جامع فضای سایبر، از علت یابی تا تدوین روش اقدام، قم: تمدن نوین اسلامی، ۱۴۰۳.
۸. پورنوروز، محمد، ماهر جواب، تهران، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ۱۴۰۴.
۹. پیروزمند، علیرضا؛ جهانبخش، عباس؛ علیدوست، ابوالقاسم و نقره کار، عبدالحمید، نظریه ۳، کتابی در عالی ترین سطح علم و تحقیق برای انتخاب و معرفی نظریه های برتر در عرصه علوم انسانی اسلامی، تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۷.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، مصحح مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۱۱. ثانی (شهید)، زین الدین بن علی، منیه المرید فی ادب المفید و المستفید، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۴.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۳. حقیقی، محمد، بازگانی بین المللی نظریه ها و کاربردها، چ ۲، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۱۴. خاموشی، مجید، مبانی و مهارت های پاسخ گویی به پرسش ها و شبهات دینی: پژوهشی از منظر قرآن و روایات، قم: تا ظهور، ۱۳۹۴.
۱۵. خدری، علی، لسان القرآن و العتره، قسم النحو التعليمی، چ ۱، قم: نوید اسلام، ۱۳۹۱.
۱۶. خراسانی، شرف الدین، از سقراط تا ارسطو، چ ۲، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
۱۷. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، چ ۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
۱۸. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح محقق بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غررالحکم و دُرر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۹. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی نهج البلاغه، ۱۳۸۴.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴.

۲۲. رضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه لصبحی صالح، چ ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۳. سبحانی تبریزی، جعفر، موسوعه طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ق.
۲۴. سیف، سوسن، مهارت های زندگی زنان خانه دار، چ ۲، تهران: دانشگاه الزهراء (ع)، ۱۳۸۴.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۰.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه حسین نوری همدانی، تهران: فراهانی، ۱۳۶۳.
۲۸. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالافاق الجدیده، ۱۴۰۰ق.
۲۹. علی بن الحسین (ع)، صحیفه کامله سجادیه، ترجمه عبدالجواد ابراهیمی و محسن غرویانی، قم: الهادی، ۱۳۷۶.
۳۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۳۱. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۲. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۴۴.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۳۹۷.
۳۴. گرجی، ابراهیم و برخورداری، سجاد، مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: ثالث، ۱۳۸۸.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء تراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۷. مطهری، مرتضی، جهاد اسلامی و آزادی عقیده، تهران: صدرا، ۱۳۹۴.
۳۸. معلمی، حسن، منطق و تفکر انتقادی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۸۶ق.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۴۰. مفید، محمدبن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
۴۱. هاشمی جزی، سیدحسن، جریان شناسی شبهات دینی، قم: دارالعلم، ۱۴۰۱.
۴۲. محمدی، محمدعلی، «آداب پرسش گری»، مجله مبلغان، ش ۱۱۹ و ۱۲۰، شهریور و مهر ۱۳۸۸.

سایت ها

۴۳. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله شهید امام سیدعلی خامنه ای (ع): <https://khamenei.ir>.
۴۴. مؤسسه بیان هدایت نور، پایگاه اطلاع رسانی دکتر محمدعلی انصاری: <https://bayan.hedayatnoor.com>.